



تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه‌ی چهل و ششم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۱/۱۰/۲۶

- صحیح‌هی محمد بن مسلم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّقْطَةِ قَالَ: لَا تَرْفَعُهَا فَإِنْ ابْتَلَيْتَ بِهَا فَعَرَّفْهَا سَنَةً فَإِنْ جَاءَ
طَالِبُهَا وَإِلَّا فَاجْعَلْهَا فِي عَرْضِ مَالِكَ يَجْرِي عَلَيْهَا مَا يَجْرِي عَلَى مَالِكَ حَتَّى يَجِيءَ لَهَا
طَالِبٌ فَإِنْ لَمْ يَجِيءَ لَهَا طَالِبٌ فَأَوْصِ بِهَا فِي وَصِيَّتِكَ^۱.

این روایت، همانند صحیح‌هی محمد بن مسلم است - البته با اندکی تفاوت در عبارت - که صاحب
وسائل عليه السلام از تهذیب نقل کرده بود و در این جا از کافی نقل می‌کند و این عبارت را هم اضافه دارد که «فَإِنْ
لَمْ يَجِيءَ لَهَا طَالِبٌ فَأَوْصِ بِهَا فِي وَصِيَّتِكَ».

بنابراین این روایت بیان می‌کند بعد از تعریف سنه، لقطه را در عرض اموالش قرار دهد، اما این که آیا
تصرف بالاتلاف نیز جایز است یا خیر، می‌گوییم این روایت به تنهایی اگر بود شاید توقف می‌کردیم، ولی
با ضمیمه به موثقه‌ی حنان بن سدیر می‌توانیم بگوییم دال بر جواز اتلاف نیز هست و این که می‌فرماید
وصیت کند، استفاده می‌شود ضامن است و اطلاق آن شامل ضمان بعد از تلف هم می‌شود.

- روایت داود بن سرحان:

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۵، کتاب اللقطة، باب ۲، ح ۱۰، ص ۴۴۴ و الکافی، ج ۵، ص ۱۳۹.

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي اللَّقْطَةِ يُعْرَفُهَا سَنَةٌ ثُمَّ هِيَ كَسَائِرِ مَالِهِ.

وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ.^۱

داود بن سرحان از امام صادق عليه السلام نقل می کند که درباره ی لقطه فرمودند: یک سال آن را تعریف می کند آن گاه مانند سائر اموالش می شود.

این روایت از لحاظ سند به خاطر سهل بن زیاد الآدمی ناتمام است.

- صحیحہ ی علی بن جعفر به نقل قرب الاسناد:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّقْطَةِ يُصَيِّبُهَا الرَّجُلُ قَالَ: يُعْرَفُهَا سَنَةٌ ثُمَّ هِيَ كَسَائِرِ مَالِهِ قَالَ: وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ لِأَهْلِهِ: لَا تَمَسُّوْهَا.^۲

جناب علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر عليه السلام نقل می کند که از ایشان درباره ی لقطه ای که کسی پیدا می کند سؤال کردم، فرمودند: یک سال آن را تعریف می کند، آن گاه مانند سائر اموالش است و فرمودند: علی بن الحسین [امام سجاد عليه السلام] به اهلشان می فرمودند: به آن دست نزنید.^۳

این روایت از لحاظ سند به خاطر عبدالله بن الحسن که توثیقی در حقیقش وارد نشده ناتمام است. ولی چون این روایت در خود کتاب «مسائل علی بن جعفر» هم آمده، می توان از این طریق تصحیح سند کرد. در مورد صحت انتساب این کتاب به علی بن جعفر می گوئیم اگر این کتاب متواتر هم نبوده باشد، برای اهل فن مشهور و معلوم بوده که مال ایشان است و علماء از جمله صاحب وسائل عليه السلام سعی می کردند یداً بید نسخه های صحیحی از این کتاب داشته باشند. بنابراین انتساب نسخه ی صاحب وسائل به علی بن جعفر می تواند ثابت باشد.

- صحیحہ ی دیگر علی بن جعفر به نقل قرب الاسناد:

۱. همان، ح ۱۱ و الکافی، ج ۵، ص ۱۳۷.

۲. همان، ح ۱۲ و قرب الاسناد، ص ۲۶۹.

۳. این که می فرمودند دست نزنید، استفاده می شود برداشتن آن مکروه است، گرچه در مورد این که آیا علی الاطلاق مکروه است یا در برخی موارد مباح است، در جای خود بحث دارد.

۴. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۲۸۶.

قَالَ [عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام]: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ اللَّقْطَةَ دَرَاهِمَ أَوْ تَوْبًا أَوْ دَابَّةً كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُعْرِفُهَا سَنَةً فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ صَاحِبَهَا حَفِظَهَا فِي عُرْضِ مَالِهِ حَتَّى يَجِيءَ طَالِبُهَا فَيُعْطِيهَا إِيَّاهُ وَإِنْ مَاتَ أَوْصَى بِهَا فَإِنْ أَصَابَهَا شَيْءٌ فَهُوَ ضَامِنٌ.
وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.^١

جناب علی بن جعفر می فرماید: از ایشان [برادرش موسی بن جعفر عليه السلام] سؤال کردم درباره‌ی کسی که به لقطه‌ای دست می‌یابد، لقطه‌ی دراهم یا لباس یا دابه، چه کار باید بکند؟ فرمودند: یک سال آن را تعریف می‌کند، پس اگر صاحبش را شناخت در عرض اموالش حفظ می‌کند تا این که طالبش بیاید و اگر مُرد [یعنی نشانه‌های موت پیدا شد] آن را وصیت می‌کند، پس اگر چیزی به آن اصابه کرد، ضامن است.

سند جناب عبدالله بن جعفر الحمیری در این روایت هم به خاطر عبد الله بن الحسن ناتمام است، ولی سند صدوق رحمته الله به جناب علی بن جعفر تمام است؛ زیرا در مشیخه می‌فرماید:

و كَلَّ مَا كَانَ فِي هَذَا الْكِتَابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ فَقَدْ رَوَيْتَهُ عَنْ أَبِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْبُوفَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام .

و روایت عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد - رضى الله عنه - عن محمد بن الحسن الصقار و سعد بن عبد الله جميعا عن أحمد بن محمد بن عيسى و الفضل بن عامر عن موسى بن القاسم البجلي عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، و كذلك جميع كتاب علي بن جعفر عليه السلام فقد رویت بهذا الإسناد.^٢

علاوه بر آن که این روایت در مسائل علی بن جعفر^٣ هم آمده و از این جهت هم سند تمام است. پس این روایت هم بیان می‌کند لقطه را در عرض اموالش قرار دهد و هرگونه تصرفی در آن جایز است، هرچند در مورد جواز تصرف بالاتلاف، از این روایت به تنهایی نمی‌توان استفاده کرد، ولی به قرینه

١. وسائل الشیعة، ج ٢٥، کتاب اللقطة، باب ٢، ح ١٣، ص ٤٤٥ و قرب الاسناد، ص ٢٧٠ و من لا یحضره الفقیه، ج ٣، ص ٢٩٢.

٢. من لا یحضره الفقیه، ج ٤، ص ٤٢٢.

٣. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ١٦٥.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ اللَّقْطَةَ دَرَاهِمَ أَوْ تَوْبًا أَوْ دَابَّةً كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُعْرِفُهَا سَنَةً فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْهَا جَعَلَ فِي عُرْضِ مَالِهِ حَتَّى يَجِيءَ طَالِبُهَا فَيُعْطِيهَا إِيَّاهَا وَإِنْ مَاتَ أَوْصَى بِهَا وَ هُوَ لَهَا ضَامِنٌ.

روایات دیگر می‌توانیم بگوییم جایز است.^۱ و این هم که می‌فرماید «فَإِنْ أَصَابَهَا شَيْءٌ فَهُوَ ضَامِنٌ» بالاتر از ضمان اتلاف استفاده می‌شود؛ یعنی حتی اگر به آفت سماوی هم تلف شود، باز ضامن است.

- صحیح‌ه‌ی دیگری از علی بن جعفر در قرب الاسناد:

وَ [عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ] بِالْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ عليه السلام قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يُصِيبُ اللَّقْطَةَ فَيَعْرِفُهَا سَنَةً ثُمَّ يَتَصَدَّقُ بِهَا فَيَأْتِي صَاحِبَهَا مَا حَالَ الَّذِي تَصَدَّقَ بِهَا وَ لِمَنِ الْأَجْرُ هَلْ عَلَيْهِ أَنْ يَرُدَّ عَلَى صَاحِبِهَا أَوْ قِيمَتَهَا؟ قَالَ: هُوَ ضَامِنٌ لَهَا وَ الْأَجْرُ لَهُ إِلَّا أَنْ يَرْضَى صَاحِبُهَا فَيَدْعُهَا وَ الْأَجْرُ لَهُ.

وَ رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ وَ كَذَا كُلُّ مَا قَبْلَهُ.^۲

سند این روایت هم مثل سند روایات قبل است.

علی بن جعفر می‌فرماید: از ایشان [برادرش موسی بن جعفر عليه السلام] درباره‌ی کسی که به لقطه‌ای دست می‌یابد و یک سال تعریف می‌کند، سپس آن را صدقه می‌دهد، آن‌گاه صاحبش می‌آید، سؤال کردم کسی که آن را صدقه داده باید چه کار کند و اجر مال کیست؟ آیا وظیفه دارد که آن را یا قیمتش را به صاحبش برگرداند؟ فرمودند: او [ملتقط] ضامن است و اجر هم برای او محسوب می‌شود، مگر این که صاحبش راضی شده آن را رها کند که در این صورت اجر هم برای او [مالک] است.

تصدّق در این روایت، به عنوان احد مصادیق اکل است؛ وقتی ملتقط می‌تواند لقطه را اکل کند - اعم از اکل حقیقی و اعتباری مانند بیع و هبه - معلوم است که می‌تواند صدقه دهد. پس صدقه در عرض تملک ذکر نشده است. سؤال جناب علی بن جعفر در این روایت از این جهت است که آیا حتی کسی که لقطه را صدقه داده، باز ضامن است که حضرت پاسخ می‌دهند در این صورت نیز ضامن است.

- صحیح‌ه‌ی علی بن جعفر به نقل تهذیب:

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّقْطَةِ إِلَى أَنْ قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ دَرَاهِمًا أَوْ تَوْبًا أَوْ دَابَّةً كَيْفَ يَصْنَعُ بِهَا؟ قَالَ: يُعْرِفُهَا سَنَةً فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ حَفِظَهَا فِي عَرْضِ مَالِهِ

۱. بلکه شاید بتوان گفت اگر ما بودیم و فقط این روایت، استفاده می‌شد نمی‌توان اتلاف کرد؛ زیرا می‌فرماید: «حَفِظَهَا فِي عَرْضِ مَالِهِ حَتَّى

يَجِيءَ طَالِبُهَا فَيُعْطِيهَا إِيَّاهُ وَ إِنْ مَاتَ أَوْ صَى بِهَا». امیرخانی

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۵، کتاب اللقطة، باب ۲، ح ۱۴، ص ۴۴۵ و قرب الاسناد، ص ۲۷۰.

حَتَّى يَجِيءَ طَالِبُهَا فَيُعْطِيَهَا إِيَّاهُ وَإِنْ مَاتَ أَوْصَى بِهَا وَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ.
وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ.^۱

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که از ایشان درباره ی لقطه سؤال کردم - تا آن جا که فرمود - و سؤال کردم درباره ی شخصی که درهم یا ثوب یا دابه ای پیدا می کند آن را باید چه کار کند؟ فرمودند: یک سال آن را تعریف می کند پس اگر صاحبش را نشناخت، آن را در غرض مالش حفظ می کند تا این که طالبش بیاید و مال را به او اعطاء کند و اگر مُرد [نشانه های موت ظاهر شد] آن را وصیت می کند و او ضامن است.

این روایت از لحاظ سند تمام است و عین همان روایتی است که جناب حمیری - با اندکی تفاوت در بعضی عبارات با سند خودش از جناب علی بن جعفر - نقل کرده بود.

نتیجه ی نهایی در بررسی روایات لقطه

پس نتیجه این شد که از این روایات بیش از این استفاده نمی شود که:

اولاً: باید تعریف سنة کند.

ثانیاً: هر نوع تصرفی حَتَّى تصرف به اکل یا تصدَّق، برای ملتقط جایز است.

ثالثاً: ملتقط ضامن است، حَتَّى اگر به آفت سماوی تلف شده باشد یا صدقه دهد.

بنابراین این که عده ای از فقهاء فرموده اند مخیر است بین تملک، حفظ آن به عنوان امانت و تصدَّق، به این صورت شاهی از روایات ندارد، بلکه تعبیر روایات «كَسْبِيلِ مَالِهِ» یا «فِي عَرْضِ مَالِهِ» است که هرگونه تصرفی می تواند انجام دهد و ضامن است، پس تعبیر به «تملک» یا «امانت» به معنای دقیق کلمه صحیح نیست، کما این که تصدَّق هم در عرض «كَسْبِيلِ مَالِهِ» نیست، بلکه یکی از مصادیق تصرف است.

رگه هایی از عرائض ما در کلام بعضی نیز وجود دارد، ولی به این صراحت که بیان کردیم ندیدیم.

تقریر متن: عبدالله امیرخانی

استخراج منابع و روایات: جواد احمدی

۱. همان، باب ۲۰، ح ۲، ص ۴۶۶ و تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۹۷.